

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: بهرام رحمانی
۲۷ سپتمبر ۲۰۱۴



IRANIAN PEN CENTER (IN EXILE)

سال نو تحصیلی

بیانیه انجمن قلم ایران (در تبعید)

از نخستین روز مهرماه [میزان]، بیش از ۱۲ میلیون دانش آموز روانه محیط های آموزشی می شوند تا مدارج آموزشی را در ایران طی کنند.

بنا بر معیارهای حاکم در مناسبات اسلامی در ایران، روشن است که حضور میلیون ها دانش آموز در محیط آموزشی، انبوهی از دشواری ها و نا بسامانی ها را در پی دارد که تنها اشاره به پاره ای از آن ها، خود سیاهه بلندی از نابکاری های این رژیم را رقم می زند.

آنچه در نگاه و مرتبه نخست، نظر را به خود جلب می کند، هزینه بالای آموزشی برای هر دانش آموز است که بار سنگینی بر دوش مردم زحمتکش و توده های کارگر وارد می آورد.

همان گونه که آمار های رژیم نشان می دهند، کم ترین هزینه ورود به مدرسه های دولتی، ۷۰۰ هزار تومان و به دبستان های غیردولتی، ۱۰ میلیون تومان است که با توجه به سطح درآمد اکثریت مردم جامعه ما، هزینه ای بسیار سنگین به شمار می آید. این امر سبب می شود که بخش بزرگی از دانش آموزانی که توان پرداخت چنین هزینه ای را ندارند، پشت کلاس های درس باقی بمانند.

در کنار این مسأله باید از وضعیت اسفناک مدرسه های استان های محروم کشور یاد کرد، به ویژه باید به دبستان های بسیار محروم سیستان و بلوچستان اشاره کرد که از کمترین امکان های آموزشی برخوردارند. بسیاری از دبستان ها که باید برای بیش از نیم میلیون دانش آموز این منطقه کارائی داشته باشند، حتی سقفی بالای سرشان نیست. کلاس ها، در میان کپر و حصیر خرما یا چادر برپا می شوند که از کم ترین امکان های آموزشی برخوردارند.

کمبود بیش از ۸ هزار آموزگار، نبود سرویس‌های بهداشتی در بسیاری از دبستان‌های عشایری و روستائی، جابه‌جائی دانش‌آموزان با وانت بار در منطقه‌های روستائی و پیمودن مسافت‌های دراز، اغلب بیش از ۳ کیلومتر برای رسیدن به کلاس درس، تنها بخش کوچکی از مشکل‌های آموزشی است که سد راه دانش‌آموزان منطقه‌های محروم جامعه ما است.

وضعیت کودکان کار و خیابان نیز یکی دیگر از دشواری‌های آموزشی را تشکیل می‌دهد. این کودکان، به دلیل هائی مانند فقر مالی و فرهنگی خانواده‌ها، بی‌سرپرستی و یا شرایط سخت دیگر، از آموزش بازمانده‌اند.

محرومیت کودکان خانواده‌های کارگری و فقیر از آموزش، در حالی است که بنا بر اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت موظف است به شهروندان خود تا پایان دوره متوسطه، خدمات آموزشی رایگان ارائه کند.

محرومیت کودکان بدون شناسنامه از تحصیل را نیز، باید به این نابسامانی‌ها افزود. در جامعه ما کودکان بسیاری به دلیل‌های گوناگون و مختلف، از این حق محروم‌اند و از آموزش و ادامه آن بازمانده‌اند. کودکان بدون شناسنامه، جمعیت زیادی از دختران ساکن در برخی مناطق روستائی و محروم، کودکان کار و خیابان و غیره را در برمی‌گیرد که به دلیل مانع‌های قانونی (مانند کودکانی که حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، به ویژه افغان که ساکن ایرانند اما شناسنامه ندارند) شهروند ایرانی محسوب نمی‌شوند و با محرومیت تحصیلی مواجهند.

کمبود آموزگار و کادر آموزشی نیز، از جمله کمبودهای فراوانی است که سیستم آموزشی را زیر ضرب برده است. افزون بر این، باید به فرهنگ ارتجاعی مذهبی - مردسالاری و نیز به حاکمیت فرهنگ مردانه بر سیستم آموزشی اشاره کرد که به زنان سهم‌ناچیزی در این زمینه می‌دهد و سهم دختران را در سیستم آموزشی کمتر و تعداد بیشتری از آنان را خانه‌نشین می‌کند.

جداسازی جنسیتی نیز، دوره تازه‌ای از جداسازی در سطحی گسترده است تا حکومت اسلامی ایران بتواند با مهار روابط جنسیتی، موقعیت‌شکننده و بحرانی خود را حفظ کند.

رواج مواد مخدر در میان دانش‌آموزان و تنبیه بدنی آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، سبب می‌شود کودکان جامعه ما روزهای وحشت‌آوری را در مدارس از سر بگذرانند و تنبیه‌های روحی و بدنی مختلفی را تجربه کنند. این تنبیه‌ها در موردهائی نیز به مرگ دانش‌آموزان و یا آسیب بدنی و روانی به آنان منجر می‌شود. به این سیاهه هم چنین می‌توان ممنوعیت زبان‌های مادری مانند کردی، عربی، بلوچی، ترکمنی، گیلکی، لری و آذربایجانی را افزود.

و از «جشن تکلیف» در دبستان‌ها برای دخترانی که به سن ۹ سالگی می‌رسند، یاد کرد و به انجام مراسمی با محور و اولویت «نماز و سجاده و تکلیف» اشاره کرد که از ابتداء می‌کوشد تفکیک جنسیتی را در ذهنیت کودکان نهادینه کند و زن را در مرتبه پائین‌تری قرار دهد.

نماز اجباری در دبستان‌ها نیز، از دیگر تلاش‌های حکومتی است برای سلطه بر ذهنیت کودکان.

برگزاری نماز جماعت در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و ترغیب و اجبار دانش‌آموزان به شرکت در آن، از مسأله‌های است که در آستانه بازگشائی مدرسه‌ها مطرح می‌شود.

شیوه‌ها و مواد درسی و آموزشی بر اساس راه‌کارهای تحمیلی اسلامی از دیگر دشواری‌های نظام آموزشی در ایران به شمار می‌رود که در عمل، مصداق نقض گسترده حقوق کودک به شمار می‌آید.

این تومار بلند تبهکاری بخش کوچکی از پدیده وحشتناک مسأله آموزش پیش‌دانشگاهی در نظام اسلامی ایران است. این سیاست نابکارانه می‌کوشد روح آموزشی سالم و تربیت و پرورش روحی و جسمی کودکان جامعه ما را از سن‌های

پائین به بند بکشد و آنان را از رسیدن به یک جامعه انسانی و برابر محروم می کند تا بلکه بتواند از آنان، انسان نمونه اسلامی بار بیاورد.

اما، بیش از سی و پنج سال تلاش و جان کندن حاکمیت تبهکار اسلامی، با تمام فشار و تحمیلی که بر توده کودکان جامعه ما وارد می آورد، هرگز قادر نشده است به هدف های شوم خود برسد. خیزش هرباره همین دانش آموزان پرورش یافته در نظام اسلامی، نشان داده است آنان که باد می کارند، طوفان درو می کنند.

انجمن قلم ایران در تبعید

اول مهرماه [میزان] ۱۳۹۳